

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تأکید استاد بر تأمل بیشتر در کلمات محقق اصفهانی(ره)

گاهی اوقات ما در مسأله مستقیم روی نظر محقق اصفهانی(ره) یا مرحوم امام(رض) می‌رویم. برخی از دوستان فرمودند ترتیب رعایت شود که از شیخ(ره) مطلب شروع شود، بعد از آن، حواشی مکاسب را مطرح کنیم تا به بزرگان متأخر برسد. این ترتیب خیلی خوبی است. منتها اینکه گاهی اوقات ما مستقیم مطلب امام(رض) را آورديم، چون امام(رض) تمام ابعاد کلمات گذشتگان را مطرح کرده است. علی‌ای حال؛ اگر نکته‌ای در ذهن آقایان هست که فکر می‌کنند اگر آن نکته باشد درس مفیدتر خواهد بود، بیان کنید.

تأکید ما بر این است که ذهن خیلی قوی شود و برای اینکه ذهن قوی شود، این انظار محقق اصفهانی(ره) بسیار مفید است. البته فقط هم مجرد تقویت ذهن و تجهیز اذهان نیست، بلکه واقع را برای ما خیلی روشن می‌کند. در همین مسأله که آیا ضد امساک فقط رد است یا تخلیه هم ضد آن است، آیا اصلاً رد و تخلیه ضد امساک هستند یا نه؟ و آیا از حرمت امساک می‌توان وجوب رد را استفاده کرد یا نه، اینها مطالب خیلی عمیقی است که انصافاً جاهای دیگر هم مفید خواهند بود. توصیه من این است که در اصول و فقه، از آراء و کتب محقق اصفهانی(ره) غافل نباشید.

این مطلب را من از بعضی از مرتبطين با محقق خوئی(ره) شنيدم که یک وقتی به ایشان إن قلت کرده بودند که چرا شما آرای استادان محقق اصفهانی(ره) را خیلی متعرض نمی‌شوید؟ چون ایشان بیشتر آراء محقق نائینی(ره) را در اصول مطرح می‌کند، و لو اینکه مختار خودش موارد زیادی همان آرای محقق اصفهانی(ره) است. فرموده بودند کلمات ایشان مقداری مشکل است. یک مدتی در درس، آراء محقق اصفهانی(ره) را مطرح کرده بودند که آقایان گفته بودند به همان وضع سابق برگردید. بعد خود ایشان به فضیلت جدی و عمیق درس توصیه می‌کرد که بر آنچه من می‌گویم اکتفا نکنید بلکه به کلمات محقق اصفهانی(ره) هم مراجعه کنید. ببینید شاگردان محقق اصفهانی(ره) چه کسانی بودند؟ یکی محقق خوئی(ره) است، یکی مرحوم علامه طباطبائی(رض) است، یکی مرحوم آقای میلانی(ره) است، یکی مرحوم شیخ حسین حلی(رض) است. هفده هجده نفر در درس محقق اصفهانی(ره) بودند و از این عدد هم تجاوز نمی‌کرده، همه آنها هم محقق و صاحب نظر حسابی بودند، نه یک کسی که بخواهد در مسائل یک نظر بدوی داشته باشد.

بحث اخلاقی؛ وسوسه در عبادات و علم

بالأخره ما باید عمر را در همین راه صرف کنیم و این وسوسه‌ها، وسوسه‌های درستی نیست. گاهی اوقات افرادی بودند که در

باب عبادات گرفتار وسوسه می‌شدند که چه معنا دارد ما این همه نماز بخوانیم، هر روز نماز بخوانیم، اگر اعتقاد به خداست، اعتقاد داریم، عبادت است، ماهی یک بار و چند ماه یک بار عبادتی کنیم، اینهمه عبادت چه لزومی دارد؟ اتفاقاً در یک روایتی که در من لا یحضره الفقیه وارد شده است، امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید عده‌ای از یهودی‌ها خدمت رسول خدا(ص) شرفیاب شدند، و أعلم اینها از رسول خدا(ص) سؤال کرد که علت اینکه خدا برای امت شما در هر شبانه روز پنج بار نماز را واجب فرموده چیست؟ - یک روایت مفصلی است-، پیامبر(ص) شروع کردند به بیان علت این امر. فرمودند که اما نسبت به نماز ظهر... حالا من قصد دارم این را بگویم که در باب وسوسه‌ی در عبادات، شیطان سبب می‌شود که انسان کم عبادت کند.

در وسوسه‌ی در علم هم همینطور است که برای انسان حاصل می‌شود و شیطان هم منشأ آن است و منشأ دیگری هم ندارد. انسان می‌گوید بابا این حرفها چه فایده‌ای دارد؟ چه نتیجه‌ای دارد؟ کارهای مهم‌تر دیگری وجود دارد که باید از آن پرهیز کنیم. در علم تا می‌توانید حوصله به خرج بدهید و فکر کنید. تا می‌توانید دقت کنید. بر هر لحظه فکر و دقت در مسائل علمی، خصوصاً مسائل فقهی، خداوند چقدر اجر قرار داده است! از نظر اجر اخروی، یک لحظه فکر در مسائل فقهی با ساعتها فکر در مسائل فلسفی قابل مقایسه نیست.

این روایت، بسیار روایت خوبی است، در من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 211، بَابُ عَلَیَّ وَجُوبِ خَمْسِ صَلَوَاتٍ فِي خَمْسِ مَوَاقِيتَ: «رَوَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَسَأَلَهُ أَعْلَمُهُمْ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ مِمَّا سَأَلَهُ أَنَّهُ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِأَيِّ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْخَمْسَ الصَّلَوَاتِ فِي خَمْسِ مَوَاقِيتَ عَلَى أُمَّتِكَ فِي سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» □

یک نفر یهودی خدمت پیامبر خدا(ص) رسید و از ایشان سؤالاتی را پرسید. از جمله سؤالش همین بود که چرا در یک شبانه روز باید پنج بار نماز خوانده شود؟ که واقعاً وقتی انسان این روایت را می‌بیند می‌گوئیم حیف نیست که ما طلبه باشیم و از این روایات خبر نداشته باشیم؟ ما طلبه باشیم و نمازمان مثل نماز عوام مردم باشد؟ این خودش خیلی خسارت بزرگی است و باید کاری کنیم، نه اینکه خدایی نکرده این را برای خودمان یک امتیاز و برتری اعتباری قرار دهیم. انتظار این است که نماز ما با نماز دیگران فرق داشته باشد. گفتار ما با گفتار دیگران فرق داشته باشد. عمل ما با عمل دیگران فرق داشته باشد. که حالا این یک بحث خیلی مفصلی است که متأسفانه امروزه خیلی کم‌رنگ شده، امروزه عمل عبادی یک طلبه، گفتار و کردار یک طلبه، گاهی اوقات از عوام مردم بدتر و ضعیف‌تر شده است. البته نمی‌خواهم بگویم همه‌ی طلبه‌ها اینگونه‌اند.

پیامبر(ص) در جواب فرمود: «إِنَّ الشَّمْسَ عِنْدَ الزَّوَالِ لَهَا حَلَقَةٌ تَدْخُلُ فِيهَا فَإِذَا دَخَلَتْ فِيهَا زَالَتْ الشَّمْسُ فَيَسْبِحُ كُلُّ شَيْءٍ دُونَ الْعَرْشِ بِحَمْدِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُصَلِّي عَلَى فِيهَا رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَى وَ عَلَى أُمَّتِي فِيهَا الصَّلَاةَ وَ قَالَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُؤْتَى فِيهَا بِجَهَنَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُوَافِقُ تِلْكَ السَّاعَةَ أَنْ يَكُونَ سَاجِداً أَوْ رَاكِعاً أَوْ قَائِماً إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ» ؛ وقت ظهر وقتی است که خورشید درست به وسط آسمان رسیده و به دایره‌ی نصف النهار رسیده، که در این روایت پیامبر(ص) از آن تعبیر به حلقه می‌کند، زوال شمس همان موقع است. وقت نماز ظهر اینطور نیست که خدای تبارک و تعالی 24 ساعت را اعتباراً تقسیم‌بندی کرده و فرموده از اول روز که طلوع فجر است تا ظهر و تا شب تقسیم شود و پنج نماز خوانده شود. هر کدام از اینها یک اسرار و حقیقتی دارد.

وقت نماز ظهر دو تا خصوصیت در کلّ عالم وجود دارد، یک خصوصیت این است که تمام موجودات مادون العرش خدا را تسبیح می‌کنند، تنها شما نیستی که می‌خواهی بایستی و نماز بخوانی، تمام موجودات ما دون العرش خدا را تسبیح می‌کنند. خصوصیت دوم این است که این زمان وقتی است که خدای تبارک و تعالی در هر شبانه‌روز درود خاص بر پیامبر(ص) می‌فرستد. «فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَى وَ عَلَى أُمَّتِي فِيهَا الصَّلَاةَ وَ قَالَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»؛ ما دیگر وقت نماز ظهر واقعاً باید چشم دلمان را باز کنیم و تسبیح موجودات را ببینیم و بشنویم. تسبیح خدا نسبت به پیامبر(ص) را لااقل تصور کنیم. اگر اهل شهود و درک و اینها نیستیم حداقل تصور کنیم.

توجه اجمالی به آن داشته باشیم. چقدر این توجه اجمالی، نماز ما را، یک نماز دیگری می‌کند، قلب انسان را صیقل می‌دهد، یک فضای جدیدی برای انسان ایجاد می‌کند و یک نماز دیگری است. بعد سراغ نماز عصر می‌آید؛ اتفاقاً این سؤالاتی است که مردم خیلی می‌پرسیدند که چرا نماز ظهر این موقع خوانده می‌شود؟ می‌فرمایند «وَأَمَّا صَلَاةُ الْعَصْرِ فَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي أَكَلَ آدَمُ (ع) فِيهَا مِنَ الشَّجَرَةِ فَأَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُرِّيَّتَهُ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ اخْتَارَهَا لِأُمْتِي فَهِيَ مِنْ أَحَبِّ الصَّلَوَاتِ»؛ وقت نماز عصر وقتی است که حضرت آدم (ع) از آن شجره‌ی ممنوعه خورد و خدا او را از بهشت بیرون کرد. می‌فرماید خدا در مقابل این کار آدم، بر ذریه‌ی آدم واجب کرد که تا روز قیامت در آن زمان هم یک نماز بخواند. اینجا نکات خیلی لطیف و مهمی وجود دارد. اولین آن این است که درست است که ما می‌گوئیم «وَلَا تَزِرْ وَزِرَّتْهُ وَزْرَ أُخْرَى»، حالا حضرت آدم (ع) یک ترک اولایی مرتکب شده، این چه ارتباطی به ما دارد؟ اما از نظر عقوبت و کیفر اخروی همینطور است.

اما از نظر این که انسان در مقابل عمل دیگری هیچ مسئولیتی ندارد، اگر پدر انسان نعوذ بالله یک کسی بود که اهل حرام و حلال نبود و از دنیا رفت، فرزند بگوید که به من چه؟ او خودش رفته و خودش هم گرفتار عذابش باشد. واقعاً وجدان و عقل انسان، شخص را وادار می‌کند که یک کاری انجام بدهد. بالآخره انسان در مقابل کوتاهی‌های دیگران وجداناً و عقلاً باید جابر به کوتاهی‌های دیگران باشد. اگر من دیدم رفیق یک اشتباهی می‌کند، من مسئولیت دارم که به نحوی آن را جبران کنم، البته نه مسئولیت فقهی، ولی اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید. حضرت آدم (ع) یک ترک اولی مرتکب شده که خدا می‌فرماید یکی از جبران‌هایش این است که ذریه‌ی او تا يوم القيامة اطاعت کنند.

در مقابل یک عصیان، اطاعت میلیون‌ها و میلیارد‌ها انسان إلى يوم القيامة می‌نشیند. آن هم هر روز باید جای او بنشینند و معلوم هم نیست که جای آن را هم پر کند. حال در عمل خودمان بررسی کنیم؛ یک عصیان خودمان چگونه باید جبران شود، با یک استغفار جبران می‌شود؟ خیر. استغفار ممکن است که اثر اخروی و عقوبت را از بین ببرد، همین اندازه است، توبه هم همین اندازه است، توبه، غیر از جبران این گناهی است که واقع شده، توبه اثر اخروی را می‌برد، «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»، در همین جهت است، در جهت اخروی و عقوبت اخروی است فقط، و إلا این گناه آثار وضعی خودش را دارد.

می‌خواهم از این کلام نتیجه بگیرم که واقعاً این تعبیر در اینجا خیلی راهگشاست. حضرت آدم (ع) در بهشت—که آن چه بهشتی بوده، معلوم نیست—از خوردن شجره ممنوع بوده، حالا ترک اولی کرد و آن را خورد و بیرون رانده شد. اینکه خدا می‌گوید ذریه‌ی او إلى يوم القيامة باید نماز عصر بخواند، حاکی از این است که ما هم نسبت به عصیان دیگران مسئولیت داریم. اگر من دیدم که یک عیدی عصیان خدا می‌کند، به خودم بگویم که جبران کنم و بیشتر عبادت خدا را بکنم، اگر خودم خدا را عصیان کردم به فکر این باشم که جبران کنم. در احوالات بزرگان هست که گاهی اوقات در اثر یک حب دنیا، ماه‌ها روزه می‌گرفتند برای اینکه گرفتار حب دنیا هستند و گرفتار یک چیزی که نزدیک به معصیت بوده شده اند. از این تعبیر در اینجا این نکته را به خوبی استفاده می‌کنیم. حالا خود شما باز بیشتر دقت کنید، «فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُرِّيَّتَهُ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ یعنی نماز عصر انسان؛ هم اطاعت خداست و هم جبران آن عملی که آدم ابوالبشر کرده، این دو تا عنوان بر آن بار می‌شود.

اینکه من در این ساعت نماز بخوانم با آن عمل حضرت آدم (ع) چه نسبتی دارد؟ شما وقتی می‌گوئید وقت نماز ظهر وقتی است که خدا تسبیح می‌کند، یعنی این نماز ظهری که من می‌خوانم با تسبیح خدا ارتباط پیدا می‌کند، نه مجرد اتحاد در وقت است، در این وقت جزء مسبّحین با خدا است. یعنی خدا این وقت بر پیامبر (ص) درود می‌فرستد و من هم در نمازم می‌گویم «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، اینها ارتباط دارد.

ما نباید این روایات را معنای ظاهری کنیم و رد شویم. قبل از آن می‌فرماید این وقتی است که آدم این کار را کرده، خدا امر کرده که الی يوم القيامة این نماز را بخواند، معنایش این است که این وقت ما ذریه‌ی آدمیم، آیا بین فعل ذریه‌ی آدم و خود آدم نسبتی نیست؟ اینکه روایت داریم اگر انسان از دنیا برود، اگر ولد صالحی داشته باشد که بر او استغفار کند، برای او هم ثبت می‌شود، آیا در اینجا اگر ذریه‌ی آدم، نماز بخواند، برای حضرت آدم (ع) ثبت نمی‌شود؟ اگر جدّ دهم ما از دنیا رفته، الآن نمازی

که من می‌خوانم به حسب ضوابط ما برای او هم ثبت می‌شود یا نه؟ از باب اینکه روایات هم داریم که اگر کسی ولدی داشته باشد، ذریه‌ی آدم اگر این کار را کرد، ارتباط به او هم پیدا می‌کند. حالا این برداشت ماست. گاهی اوقات برداشت‌ها استدلالی و فقهی نیست که بگوئیم استدلال فقهی‌اش را به ما نشان دهید، این برداشت از روایت است. من معتقدم که این روایت خیلی روایت خوبی است و الآن وقت نیست که بقیه‌اش را هم دنبال کنم. راجع به نماز مغرب دارد که نماز مغرب وقتی است که حضرت آدم(ع) توبه کرده است. راجع به نماز عشاء دارد که نماز عشاء چون در شب است و هر انسانی دو ظلمت در پیش دارد، یکی «ظلمة القبر» و یکی «ظلمة يوم القيامة» و نماز عشاء اگر با شرایطش خوانده شود، آن ظلمت‌ها را برطرف می‌کند.

به نظر من از همه جالب‌تر راجع به نماز صبح است که این آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» در همین روایت دارد که در بعضی از روایات دیگر هم وارد شده، نماز صبح انسان، مشهود است. کدام نماز؟ نمازی که اول طلوع فجر خوانده شود مشهود ملائکه است. منتهی دو گروه از ملائکه؛ ملائکه‌ی شب که مأموریت ایشان تمام شده و می‌خواهند از زمین به آسمان عروج کنند و ملائکه‌ی روز که مأموریت آنها تازه شروع می‌شود. تعبیر کنیم مثل عوض شدن شیفت! دو گروه از ملائکه این نماز اول طلوع فجر این انسان را می‌بینند.

در روایت دارد که هر دو گروه ثبت می‌کنند، هم ملائكة الليل و هم ملائكة اليوم. حالا آیا با دانستن این مطلب، انسان به خودش اجازه می‌دهد که وقت نماز صبح نزدیک طلوع آفتاب باشد؟ یا خدایی نکرده - که انسان واقعاً می‌لرزد - بشنود که طلبه‌ای نماز صبحش قضا می‌شود؟! واقعاً خیلی جای تأسف دارد. در زمان حیات والد ما(رض) یک پیرمردی که شاید هشتاد سالش بود از آذربایجان شوروی خدمت ایشان آمده بود، به ایشان عرض کرد که در تمام دوران کمونیستی، آن دوران شدید مخالفت با دین که ما در پستوهای خانه حتی خوفاً از اولاد خودمان نماز می‌خواندیم، من یک روز نماز صبحم در تمام این دوران قضا نشده است. حالا انسان بشنود که طلبه‌ای برای تبلیغ یک جایی رفته، صاحب خانه گفته که من برای نماز صبح بیدارش می‌کنم. بعد طلبه به صاحبخانه اعتراض می‌کند که تو وظیفه‌ای نداری من را بیدار کنی!!! این درد بزرگی است و واقعاً باید عزای حوزه را گرفت که چرا ما اینطور شدیم؟ ما که عملمان، شب زنده‌داری‌مان، تهجدمان باید برای دیگران درس باشد، به کجا می‌رویم؟! آن تهجدها و راز و نیازها که در این مدرسه‌ی فیضیه واقع می‌شد کجاست؟! این مسأله‌ی مهمی است.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ همه‌ی ما اهل عبادت و بندگی خدا شویم. آمین ربّ العالمین.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.